

نقش اخلاقی و عملکرد دولت در برنامه پنجم توسعه کشور

پرویز رستم زاده^۱

مجتبی پناهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۳۰

چکیده

اخیراً مفهوم توسعه با چالش‌هایی مواجه شده است و تعریف واحدی از توسعه وجود ندارد. توسعه از دیدگاه اسلامی نیز دارای تعریف خاصی است، مفهوم توسعه در اسلام به دو بعد دنیوی و اخروی بشر توجه دارد و تنها به جنبه مادی خلاصه نمی‌شود. در تعریف جدید توسعه و همچنین توسعه مد نظر اسلام توجه صرف به مادیات و اهداف صرفاً اقتصادی جایی ندارد بلکه هم به جنبه مادی و هم به جنبه معنوی بشر التفات دارد و اخلاق، نقش تعیین کننده‌ای در توسعه دارد. از طرفی یکی از دغدغه‌های دولت‌ها توسعه است. دولت‌های اسلامی نیز برای دستیابی به توسعه با توجه به نظام ارزشی- اخلاقی غنی اسلامی می‌توانند بسیار موثر باشند.

در این مقاله، با تاکید بر این که توسعه از نظام ارزشی و اخلاقی جامعه اثر می‌پذیرد و دین در شکل‌گیری نظام ارزشی- اخلاقی و به تبع آن در توسعه موثر است، وظایف اخلاقی دولت اسلامی در توسعه مورد بررسی قرار گرفته و همچنین عملکرد دولت جمهوری اسلامی ایران در برنامه پنج ساله پنجم توسعه در این حوزه مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای رسیدن به این هدف، آمار عملکرد هفت شاخص مهم برنامه پنجم شامل شاخص‌های فرهنگ اسلامی- ایرانی، بازارکار، توزیع درآمد، آموزش و پرورش، حقوق شهروندی، محیط زیست و تامین اجتماعی جمع‌آوری شده و تحلیل صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: اخلاق، توسعه، دین، دولت اسلامی، نهاد

طبقه بندی JEL: z1, z12, z18

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Parvizrostamzadeh@shirazu.ac.ir

m.shariatjavid@gmail.com

۱. استادیار بخش اقتصاد، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شیراز

۱- مقدمه

پیشرفت اقتصادی و رسیدن به قله‌های پیشرفت و توسعه در تمام بعدها، اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از دغدغه‌های ملت‌ها و جوامع گوناگون به ویژه طی چند قرن اخیر بوده است. دولت‌ها نیز همواره به دنبال راهی برای رسیدن به توسعه بوده‌اند. اما توسعه مطلوب چیست؟ تا پیش از دهه هفتاد میلادی توسعه امری اقتصادی و مساوی با رشد تولید ملی تلقی می‌شد و شاخص رشد تولید ناخالص ملی عمده ترین شاخص توسعه قلمداد می‌شد. در چنین فضایی به مفاهیم معنوی و ارزش‌های اخلاقی و انسانی توجه نمی‌شد و بعضاً این مفاهیم ضد توسعه نیز قلمداد می‌شد. این نگرش به فرآیند توسعه و همچنین در نظر نگرفتن عوامل اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و نهادی در توسعه باعث شکست خوردن برنامه‌های توسعه و همچنین آسیب رساندن به محیط زیست شد. در برنامه‌های بعدی توسعه سعی شد این کاستی‌ها برطرف شود و مفاهیمی مانند اخلاق، آزادی، ارزش، وارد تعریف توسعه شد.

از آنجا که دین اسلام نیز سرشار از منابع ارزشی- اخلاقی غنی اقتصادی است، پس مفاهیم اخلاقی و اقتصادی اسلام می‌تواند به عنوان یک منبع نظری غنی به توسعه کشورهای اسلامی کمک کند. متون اسلامی سرشار از آموزه‌های اخلاقی است که عمل به آنها کشور را به سوی توسعه اقتصادی- اجتماعی رهنمون خواهد ساخت عواملی مثل کار و تلاش، تجارت، انفاق، کسب دانش، توسعه کشاورزی و سود رساندن به مردم از مواردی است که در اسلام به آنها توصیه شده است.

دولت در به وجود آوردن یک بستر و محیط اخلاقی در ایجاد توسعه مطلوب اسلامی نقش پررنگی دارد. اختیارات دولت در تدوین قوانین برای جهت‌دهی سرمایه‌گذاری‌ها و هدایت نظام تولید کشور و اتخاذ تصمیم‌هایی در زمینه‌ی توزیع مواد اولیه و منابع ثروت طبیعی و نحوه‌ی نظارت و کنترل بر این امور همچنین در بخش فرهنگ، تعلیم و تربیت، شبکه‌های اجتماعی، آموزش و پرورش و ... همه در قلمرو آزادی نظر قانون دولت اسلامی است و این همان عنصر دینامیک و فعال است که در حقوق و اقتصاد اسلامی و فقه ناب و پویای اهل بیت وجود دارد و اجازه می‌دهد تا نظام اسلامی همواره بتواند در سطح نظری و در میدان عمل متناسب و هماهنگ با واقعیت‌ها به حیات خود ادامه دهد و جوابگوی مسائل جدید در هر عصر و زمان باشد (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹) و بتواند کشور اسلامی را در دستیابی به توسعه مطلوب کمک کند. پس دولت با نهادینه کردن ارزش‌های اخلاق اسلامی در جامعه می‌تواند به فرایند توسعه کمک کند.

در این مقاله، ابتدا پیشینه تحقیق آورده شده، سپس تعاریفی از اخلاق، توسعه و نهاد بیان می‌شود و ابعاد مختلف رابطه بین اخلاق و توسعه مطرح گردیده سپس به بررسی برخی از آموزه‌های اخلاقی و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود. همچنین عملکرد اخلاقی دولت جمهوری

اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آخر هم نتیجه‌گیری و منابع آورده شده است.

۲- پیشینه تحقیق

ساعی و حیدری (۱۳۷۹) در پایان نامه‌ای با عنوان "ضعف فرهنگ اقتصادی و تاثیر آن بر توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته (با تاکید بر ایران)" ضمن تعریف فرهنگ و توسعه، کوشیده‌اند که جایگاه فرهنگ را در توسعه اقتصادی روشن کنند و سپس به ویژگی‌ها و باورهای فرهنگی مناسب جهت رسیدن به توسعه پرداخته‌اند که اگر ایران خواهان فرهنگ اقتصادی و فرهنگ صنعتی است، باید زندگی براساس و محور فعالیت، روحیه انضباط، سخت‌کوشی، کار و کوشش دسته جمعی، صرفه جویی و آینده‌نگری باشد؛ در غیر این صورت شاهد توسعه نخواهد بود.

موسایی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی" ضمن تعریف فرهنگ، توسعه و اسلام به بررسی رابطه بین فرهنگ و توسعه اقتصادی پرداخته و درصدد اثبات این موضوع است که آیا فرهنگ اسلام با توسعه در تعارض است یا خیر؟

غفاری و کریمی (۱۳۸۷) در مقاله "هویت دینی و آموزه‌های اخلاقی اسلام و تاثیر آن بر رفتارهای اقتصادی در فرایند توسعه" کوشیده‌اند به طور اجمال نقش فرهنگ ناب اسلامی را در مبارزه با توسعه نیافتگی و تشویق به فراهم‌سازی عنصرهای الهام بخش توسعه و پیشرفت همه جانبه و پایدار بررسی کنند.

ایروانی (۱۳۸۵) در مقاله اخلاق داد و ستد از دیدگاه آموزه‌های اسلامی تلاش کرده است اثر آموزه‌های اخلاق اسلامی را بر رونق و بهبود داد و ستد بیان کند.

عزتی (۱۳۷۵) در کتاب فرهنگ و توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی برخی از جنبه‌های اخلاقی را که بر توسعه اثر دارد همانند: اخلاق کار، اخلاق مدیران، برادری و نوع‌دوستی، دنیاگرایی و... را مطرح می‌کند.

سالم شهید (saleemshahid, 2007) در مقاله "نقش بانکداری اسلامی در توسعه اقتصادی" به نقش آموزه‌های اخلاق اسلامی در بانکداری و توسعه اقتصادی اشاره می‌کند.

۳- نقش اخلاق در دین و اقتصاد

برای اخلاق تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. در فارسی و عربی واژه اخلاق جمع خلق است و در انگلیسی واژه ethics به کار می‌برند. در مفهوم آن را یک صفت نفسانی پایدار، می‌دانند که شکل‌دهنده رفتارهای خاصی است که حتی گاهی بدون فکر و اندیشه و از روی عادت از انسان سر می‌زند. آنچه مسلم است این است که اخلاق و نظام اخلاقی اسلام ابزاری برای دستیابی انسان به

اهداف عالی‌ه حیات دنیوی و اخروی مطابق نظر دین است. یعنی اخلاق نیز ابزاری برای حرکت انسان بسوی هدف عالی خدا گونه شدن است. اخلاق در اسلام ابزاری است که در ساماندهی همه فعالیت‌های انسانی از آن استفاده می‌شود. چون هدف عالی تحقق زندگی مطلوب در دنیا و آخرت است این ابزار نیز باید در راستای آن به کار برود (عزتی، ۱۳۸۷).

اخلاق و دین ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. زندگی اخلاقی اساساً بدون زندگی دینی امکان پذیر نیست، در سایه دین است که اخلاق حرفی برای گفتن دارد. اهمیت اجتماعی، اقتصادی دین اساساً در پذیرش اجتماعی ارزش‌های اخلاقی که دین آن را ایجاد می‌کند، نهفته است و پذیرش این ارزش‌ها خود به خود پایه‌ای برای تضمین آرامش و امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. بعد از بررسی گسترده تاریخ، به درستی به این نتیجه رسیده‌اند که تحقق تعالی اخلاقی و همبستگی اجتماعی بدون حمایت اخلاقی که دین عهده‌دار آن است ممکن نیست.

دین به طور کلی و اسلام به طور خاص از جمع سه عنصر عقیده، اخلاق و احکام تشکیل می‌شود که بعد اخلاقی فراگیرترین و کارسازترین بخش آن می‌باشد. زیرا بخش عقیدتی خود با فلسفه اخلاق سروکار دارد و برای تربیت انسان‌های اخلاقی، ارزش‌والایی قائل است شاید به همین علت باشد که پیامبر اسلام تصریح می‌کند که برای پایداری مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق). یعنی بعثت که یکی از ارکان اعتقادات دینی است، خود ابزار تحقق اهداف اخلاقی واقع شده‌است (دادگر، ۱۳۸۵).

در نظام اقتصادی اسلامی اخلاق جایگاه ویژه‌ای دارد، آنچنان که اهداف شارع اسلامی رساندن انسان‌ها به حد اعلای مکارم اخلاقی است که البته این موضوع درباره نظام اقتصادی متعارف نیز صادق است و اساساً دانش اقتصاد در ساحت فلسفه اخلاق، رشد پیدا کرده و علمی اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. با پیدایش سوداگران و فیزیوکرات‌ها اگر چه همچنان به اقتصاد به عنوان شعبه‌ای از اخلاق نگریسته می‌شد اما به تدریج زمینه جدایی اخلاق از اقتصاد پدید آمد. پس از مارشال و با غالب شدن اندیشه اثبات‌گرایی و اهمیت یافتن کاربرد ریاضیات در اقتصاد، فاصله میان اخلاق و اقتصاد به تدریج گسترده‌تر شد، به طوری که برخی اندیشه‌وران اقتصاد، دانش اقتصادی را به عنوان دانشی که از فقر بنیادی رنج می‌برد وصف کرده‌اند.

پس علم اقتصاد ابتدا شاخه‌ای از اخلاق بوده و اقتصاد متعارف پس از گذشت سالیان دراز، امروز از فقر اخلاقی رنج می‌برد. و اگر بخواهیم نسبت علم اقتصاد و اخلاق را بهتر بیان کنیم این موضوع به زمان یونان باستان بر می‌گردد. ریشه یونانی اقتصاد (اکنوموسی) که به عصر افلاطون و ارسطو مربوط می‌شود به معنای تدبیر منزل است که اصولاً معجونی از اخلاق و سیاست برای اداره‌ی امور معیشت است و در کتاب سیاست ارسطو طراحی شده است (ارسطو، ۱۳۸۵).

اقتصاددان برجسته‌ای چون شومپیتر معتقد است که ایدئولوژی را هم نمی‌توان از اندیشه اقتصادی جدا ساخت تا چه رسد به اخلاق و مذهب. پروفیسور هایک که خود از اقتصاددانان مشهور نئوکلاسیک است، توجه به پیوند اقتصادی با فلسفه حقوق و اخلاق و سیاست و حتی تاریخ را برای خود اقتصاد کارساز می‌داند و تصریح می‌کند، اقتصاددانی که فقط اقتصاد بداند، اقتصاددان خوبی نیست. چون رابینسون نیز تصریح می‌کند که نظریات و عقاید اقتصاددانان حتی از تعصبات آن‌ها نیز جدا نمی‌باشد و اگر اقتصاددانی به شما می‌گوید تعصبی ندارم، یا خود را گول زده است و یا شما را. او در فصلی از کتاب خود تحت عنوان علم، اخلاق و متافیزیک ادامه می‌دهد که علوم بدون عناصر متافیزیکی و اخلاقی به طور کامل قابل دریافت نخواهند بود (دادگر، ۱۳۸۵).

نگرش‌ها نسبت به اخلاق متفاوت است و هر مکتبی با توجه به جهان بینی و نظام ارزشی که دارد، تعریفی از اخلاق را دارد و امری را اخلاقی قلمداد می‌کند یا نمی‌کند، به همین جهت نظام اقتصادی اسلام نیز با پشتوانه نظام ارزشی اسلام نگرش خاص نسبت به اخلاق دارد و در قرآن و احادیث فراوانی نظام اخلاقی توصیه شده‌است. همانطور که گفته شد اخلاق نقش پررنگی را در حوزه اقتصادی ایفا می‌کند و آموزه‌های اسلامی دارای گزاره‌های اخلاقی هستند که دولت اسلامی با بکارگیری آنها می‌تواند فرایند توسعه را در جامعه تسهیل دهد. گزاره‌های اخلاقی در یک اقتصاد دینی می‌توانند به اقتصاد کمک کنند تا مسیر توسعه را بیماید. چون، در صورتی که امور اخلاقی پشتوانه عقیدتی و دینی داشته باشد نوعی مرکز انرژی را برای کارآمد ساختن آن حاصل خواهد شد. التزام به یک عقیده خاص نوعی وظیفه و تعهد ایجاد می‌کند لذا همراهی دین با اخلاق یک پتانسیل جدید به کارآمدی می‌افزاید (همان، ۱۳۸۵).

۴- توسعه اسلامی و اخلاق

نسل اول اندیشمندان توسعه در چارچوب مکانیکی پارادایم نئوکلاسیک غایت توسعه را افزایش درآمد سرانه واقعی و به تبع آن قدرت خرید از طریق رشد تولید ناخالص ملی می‌دانستند (میر، ۲۰۰۱: ۲۴). مدل‌های رشد هارود-دومار، مدل دو بخشی لویس، مراحل رشد رستو، فشار بزرگ روزنشتاین-رودن، همگی مدل‌هایی بودند که به سرمایه‌گذاری فیزیکی توجه خاصی داشتند. با این حال هنگامی که نتایج مطلوب از سرمایه‌گذاری‌ها در جریان برنامه‌های توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم به دست نیامد، نسل دوم اندیشمندان توسعه به بررسی دقیق‌تر الزامات توسعه پرداختند. در این میان در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ مکاتب مختلفی پدید آمدند، که از جمله آنها مکتب نیازهای اساسی بود که به قول استرنیتن طلوعه‌دار مفهوم توسعه انسان بود

(استرنتین، ۱۹۵۵: ۷۱۱). این رویکرد جدید به تدریج توجه را به سوی مسائلی فراتر از تولید ناخالص ملی جلب کردند و به تدریج اندیشمندان توسعه ضمن فاصله گرفتن از الگوهای کلان و خیال پردازانه به بحث بنگاه در سطح خرد، توانایی‌های فردی، بهداشت و آموزش توجه ویژه‌ای مبدول داشتند (میر ۲۰۰۱: ۱۷-۱۹). در واقع آنچه در نظریه‌های قبلی مورد غفلت قرار می‌گرفت توجه به نهادها، بنگاه‌ها و مهارت‌های انسانی بود (محبوب الحق، ۱۹۹۵: ۴) که به تدریج توجه به این سو جلب شد. همزمان با این تحول، غایت توسعه نیز به تدریج تغییر کرد و توجه از رشد درآمد سرانه به رشد کیفی، کاهش فقر، عدالت توزیعی و مباحث دیگر جلب شد (میر، ۲۰۰۱: ۲۴).

اکنون چند تعریف جدید توسعه که به تعریف مطلوب این مقاله نزدیک است بیان می‌شود:

الف- توسعه فرآیندی است که تحولی مداوم در ابزار، قوانین و روابط مادی، معنوی و اجتماعی حیات به منظور دستیابی به تکامل جامعه و اهداف انسانی ایجاد نماید. در این تعریف مفاهیمی اعم از حرکت، تحول، کمی و کیفی بودن، حرکت از یک نظام سنتی به یک نظام مدرن نهفته است. به علاوه در این تعریف ابعاد مادی، معنوی و اجتماعی، در کنار همدیگر در نظر گرفته شده است، به طوری که تحول در روابط و قوانین و ابزار صرفاً مادی یا صرفاً معنوی، تکاملی را برای جامعه در پی نخواهد داشت، چرا که اگر توسعه را صرفاً تحول و ترقی در یک بعد خلاصه کنیم، تکاملی را برای انسان رقم نده‌ایم و از انسان یک موجود مادی چنان چه در جامعه اروپایی شاهد آنیم و یا یک موجود آخرت‌گرا، در قالب رهبانیت و تصوف ساخته‌ایم که اگر این مقصود است پیش از این به آن دست یافته‌ایم. در تعریف مذکور، هدف و غایت از توسعه مشخص و معلوم است و تحول خواسته شده نه به منظور تحقق اهداف مادی، معنوی و اجتماعی، بلکه تکامل و ترقی در همه ابعاد به منظور دست یابی به اهداف انسانی است. یعنی همه چیز در جهت تکامل و تعالی انسان باید انجام بگیرد و هر چه در این مسیر موجب نقیصه و خدشه در تعالی انسان و تکامل جامعه گردد، مشمول این تعریف و فرآیند نخواهد بود (اکبری، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸).

ب- توسعه، فرآیندی است که زمینه شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان را فراهم می‌سازد، تا با استفاده بهینه از منابع مختلف، بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی، هماهنگ با تأمین خواسته‌های اصیل انسانی دیگر فراهم آید. در نتیجه افراد در این فرآیند، مسیر تکاملی شایسته خود را بی‌مایند. ویژگی‌های این تعریف عبارتند از اینکه اولاً توسعه فراهم‌کننده زمینه شکوفایی استعداد برای همه افراد جامعه است. ثانیاً در این فرآیند، تأمین خواسته‌های مادی و معنوی (جسمی و روحی) انسان در کنار یکدیگر مطرح می‌باشد. ثالثاً توسعه فرآیندی است جهت‌دار و هدف‌نهایی آن

1. streeten

2. MahbubUIHaq

رسیدن انسان به کمال نهایی شایسته مقام اوست که بر اساس جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی، کمال نهایی انسان، قرب الهی می‌باشد و با شکوفا گردیدن و به فعلیت رسیدن کلیه استعدادهای درونی انسان محقق می‌گردد (خلیلیان، اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

ج- توسعه به عنوان یک مفهوم متعالی دستاورد بشری و پدیده‌ای چند بعدی است و فی نفسه یک مسلک (ایدئولوژی) به حساب می‌آید. توسعه به دلیل اینکه دستاورد انسان محسوب می‌گردد، در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد، هدف از توسعه ایجاد زندگی پر ثمره‌ای است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین توسعه دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی خود است. این مفهوم بر معانی زیر تأکید دارد:

اولاً توسعه یک فرآیند است نه وضع ایستا. ثانیاً این فرآیند در نهایت به ارزش‌ها مربوط می‌شود. ثالثاً، این ارزش‌ها، ارزش‌های مردمانی است که متعلق به جهان غرب یا هر جهان دیگری نیست (میسرا، مجله گزیده مسایل اقتصادی، ش ۴۶، ص ۶). میسرا، در واقع توسعه را فرآیندی می‌داند که سبب شکوفایی کامل توانایی‌های ذاتی انسان می‌شود و از این رو به نظر وی باید، توسعه یک کشور هدف‌های سه گانه حقیقت، خوبی و زیبایی را دنبال کند؛ از این سه مقوله از نگرش‌ها، مذاهب، عقاید و فرهنگ‌های مختلف، برداشت‌های متفاوتی متصور است. از این رو توسعه‌ای که بخواهد بر اساس این سه رکن صورت گیرد مدل و الگوی آن نه وام‌گرفتنی است و نه تحمیل کردنی، بلکه تنها توسط هر قوم و ملتی ساختنی است (ستاری فر، ۱۳۷۴، ص ۱۱).

در تعریف دیگری جنبه اقتصادی توسعه بیشتر مدنظر است و توسعه اقتصادی را این گونه تعریف کرده که، توسعه اقتصادی به معنی واقعی کلمه، محصول تلاش انسان‌هاست و نتیجه‌ای است که می‌تواند در سطح شرکت‌ها و پروژه‌های شخصی ایجاد شود و نهادها و سیاست‌های معقول را در یک محیط تولیدی توانمند، ایجاد کند. همچنین مدیران را تشویق می‌کند تا هزینه‌ها را کاهش دهند و این کاهش هزینه‌ها به توسعه اقتصادی کمک می‌کند. نقش دولت اسلامی می‌تواند از بعد ایجاد این گونه محیط کاری برای همه شرکت‌ها، پروژه‌ها و اشخاص، مطالعه شود. این نقش می‌تواند در حوزه‌های قوانین اجزای قرارداد و پاداش بازار توسعه سرمایه انسانی قابل عرضه در بازار، ایجاد و ارتقای سیاست‌ها و نهادهای توسعه‌گرا معیارهایی برای افزایش بهره‌وری و بهبود دادن کارایی بازار نشان داده‌شود (منذر کهن، به نقل از: عزتی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۷۰-۱۷۱).

با عنایت به تعاریفی که بیان شد نتیجه می‌گیریم که، گزاره‌هایی که در اقتصاد توسعه جدید به آن توجه شده‌است اصولاً گزاره‌هایی اخلاقی فرهنگی هستند که در دین اسلام مشاهده می‌شود.

به طور مثال چند مورد از پیش نیازهای فرهنگی موثر در توسعه را که در اسلام وجود دارد می‌توان به این صورت خلاصه کرد: اعتقاد به مطلوبیت به دنیا در اسلام، اعتقاد به برخورد علمی با

مسائل و اهمیت دادن به نقش عقل، اعتقاد به آزادی ابزار اندیشه، اعتقاد به برابر بودن انسان‌ها و احترام به حقوق دیگران، اعتقاد به پذیرش نظم جمعی، اعتقاد به توسعه، عدم تعارض فرهنگی در جامعه (موسایی، ۱۳۸۷).

در یک نگاه وسیع‌تر می‌توان گفت که، تمام رفتارهای انسان از جمله رفتار اقتصادی وی از نظام عقیدتی و ارزشی او متأثر است و پدیده‌ای به نام توسعه که در واقع محصول رفتار اختیاری انسان‌ها در ابعاد گوناگون به ویژه بعد اقتصادی است از این حکم مستثنا نیست، بنابراین توسعه به صورت پدیده چند بعدی و پیچیده که بر مجموعه‌ای از علل اقتصادی استوار است. پیوندی ناگسستنی با فرهنگ، اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی دارد چنان که درباره‌ی علم اقتصاد در جایگاه یکی از شاخه‌های علوم انسانی می‌توان همین سخن را گفت (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

به همین جهت در تعاریف اخیر توسعه، دیدگاه‌های ارزشی هر جامعه در آن نقش اساسی ایفا می‌کند، زیرا ارزش‌مند بودن روش زندگی بر اساس جهان‌بینی مکاتب گوناگون و تعریفی که از انسان و مقام و منزلت و کمال و سعادت او ارائه می‌دهند متفاوت است. تعاریف جدید با محوریت انسان است و در آن اخلاق، فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول جامعه به صورت داده‌شده (given) فرض نمی‌شود، بلکه افراد جامعه بر اساس جهان‌بینی آموزه‌های اعتقادی و مکتبی و ارزش‌های مورد قبولشان، مسیر توسعه مطلوب و مورد نظر خود را تبیین و برای رسیدن به اهداف، راهبردهای متناسب با آن را ترسیم می‌کنند (همان، ص ۴۳).

اکنون به بررسی توسعه مطلوب اسلامی می‌پردازیم، نظام اقتصاد اسلامی نگرش جامع به جنبه‌های مادی و معنوی و همه ابعاد فردی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی انسان دارد و در صد پاسخگویی به انواع خواسته‌های عقلانی و عاطفی اوست. از این‌رو کوشش برای رسیدن به رشد و توسعه در ابعاد مذکور از یکدیگر تفکیک ناپذیر است. بر اساس بینش اسلامی محور تلاش برای رشد و توسعه و قلب آن، انسان است و در جامعه اسلامی، ارزش و کرامت انسان پایه و اصل قرار دارد و کلیه قوانین با توجه به این اصل تدوین می‌شود (همان، ص ۹۱).

پس توسعه مورد نظر اسلام با محوریت انسان انجام می‌پذیرد به این معنا که با هدایت درست اندیشه‌های بشر و تصحیح انگیزه‌ها می‌توان زمینه‌های مناسب رشد جسم و روح او را همزمان فراهم ساخت.

در نتیجه تعریف توسعه پیشنهادی مطلوب اسلامی چنین خواهد بود:

توسعه اقتصادی فرآیندی است که به تحول و جهش‌هایی منتهی شود که در آن، با بهره‌گیری از اندیشه‌های جامع نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی، فنون و روش‌های علمی پیشرفته، از منابع انسانی و مادی جامعه در جهت تامین رفاه بشر و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان

استفاده بهینه صورت گیرد (همان، ص ۴۵).

همچنین می‌توان گفت که، هدف رشد و توسعه در مکتب اقتصادی اسلام، رسیدن به جامعه‌ای است که در آن عدالت اقتصادی برقرار باشد. در اسلام توسعه‌ی اقتصادی هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است که جامعه را به هدف یعنی عدالت اقتصادی و اجتماعی می‌رساند. پس توسعه مطلوب اسلامی ارتباط تنگاتنگی با جهان‌بینی و ارزش‌ها و اخلاق دارد. در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که دولت اسلامی چگونه می‌تواند فرآیند توسعه را بوسیله ابزار اخلاقی که شارع در اختیارش قرار داده است، بهبود دهد.

۵- وظایف دولت اسلامی در ارتباط با توسعه

با بررسی سیر توسعه در اقتصاد متعارف به این نتیجه رسیدند که اخلاق یکی از ارکان اساسی توسعه است. از طرفی دین اسلام دینی است که وظیفه خود را رساندن انسان‌ها به حد اعلای کمالات اخلاقی می‌داند، پس قطعاً دولت اسلامی باید با توجه به گزاره‌های اخلاقی - ارزشی اسلامی و نهادینه کردن آنها در جامعه گام در مسیر توسعه مطلوب بردارد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فلیست تصلح الرعیة آلا بصلاح الولاة ولا تصلح الولاة آلا باستقامة الرعیة»: امور مردم جز با شایسته بودن حاکمان اصلاح نمی‌شود و پایداری مردم در طریق حق باعث اصلاح زمامداران است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق). این سخن امام همام را به گونه‌ای دیگر از زبان داگلاس نورث می‌شنویم که: دولت مسئول نهایی رشد و توسعه یا رکود و عقب ماندگی کشورها می‌باشد (متوسلی، ص ۹).

همچنین استیگلیتز^۱ (۱۹۹۸) معتقد است امروزه اهداف توسعه گسترش یافته و شامل توسعه پایدار و توسعه برابرخواه و مردم سالار می‌شود. به اعتقاد وی بهبود حکمرانی عامل اساسی تحقق این اهداف است. از سوی دیگر اقتصاددانان نهادگرایی جدید کیفیت نهادهای رسمی و غیررسمی کشورها را به عنوان مهم‌ترین موانع و محرک‌های توسعه پایدار قلمداد می‌کنند.

اسلام در تعیین مشروعیت حکومت معیارهای دقیقی و قاطعی دارد و نخستین معیار این است که حکومت در برابر پروردگار که بزرگ‌ترین قانون‌گذار و منشأ اصلی قانون شمرده می‌شود، مسئول است و از آنجا که یکی از اهداف اساسی شریعت اسلامی رفاه و خوشبختی و توسعه یافتگی مردم است به حکومت از جهت اخلاقی و شرعی واجب است تا این رفاه را از طریق اقدام به تمام تدبیرهای لازم محقق سازد (چپرا، ۱۳۸۴: ص ۳۵۸). پس دولت اسلامی نقش اساسی در فرآیند توسعه دارد که در این نوشته بیشتر ابزارهای اخلاقی دولت را برجسته می‌کنیم. دولت اسلامی با

1. Joseph Stiglitz

تقویت نهادهای اخلاقی و مذهبی می‌تواند به فرایند توسعه کمک کند. نهاد عبارت است از مجموعه قواعد قوام بخشی که نظام‌مند می‌باشد. مثلاً آموزش نهاد است، زیرا مجموعه‌ای از قواعد قوام بخش است که دارای نظام‌اند.

نورث نهادها را اینگونه تعریف می‌کند: نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند یا به عبارت دقیق‌تر قیودی هستند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. نهاد از نظر نورث، به نهادهای رسمی و غیررسمی دسته بندی می‌شوند. از جمله نهادهای رسمی مانند: مقررات، قانون اساسی، قراردادهای و حقوق مالکیت. این نهادها در جامعه از مشروعیت بالایی برخوردارند. برخی نهادهای غیررسمی عبارت‌اند از: هنجارها، اخلاق، رسوم و آندئولوژی. این نوع نهادها قوانین غیررسمی جامعه و بخشی از فرهنگ به حساب می‌آید (نورث، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۹).

دولت اسلامی به وسیله قانون‌گذاری‌های مبتنی بر اخلاق اسلامی می‌تواند به وسیله نهادهای رسمی و بستر سازی‌های اخلاقی دین و فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت در بخش نهادهای غیررسمی به جریان توسعه کمک کند. در آموزه‌های اسلام، به نهاد اخلاقی وفا و التزام به تعهدات تاکید شده و تخلف از آنها، مورد نکوهش قرار گرفته است. از طرفی یکی از عوامل توسعه، سرمایه اجتماعی است و یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی اعتماد است. التزام به تعهدات و اعتماد نیاز به استفاده از مقررات را که هزینه‌بر است را کاهش می‌دهد و مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی را روان‌تر می‌کند (آقائظری، ۱۳۹۳). در نتیجه فرایند توسعه اقتصادی تسری می‌یابد. پس این گزاره اخلاقی می‌تواند به توسعه کمک کند.

اصلاح ساختار نهادی اجتماعی - اقتصادی برای تحکیم ارزش‌های معنوی ضرورت دارد که در اجرایی شدن این مهم دولت نقش بسزایی را دارد، به طور مثال در سال ۱۹۴۲ یک هشدار دولتی نصب شد، در نزدیکی مزرعه پنبه در خارج شهر کاریو چنین بود: از خیس کردن پنبه قبل از وزن کردن بپرهیزید زیرا تقلب است و نتیجه‌اش زیان در این جهان و مجازات در جهان دیگر است. ما می‌توانیم وظایف اسلامی معین را مانند: انفاق، محکومیت طمع و خست، تاکید بر صداقت در همه نوع رفتارها، پافشاری بر نوع درست تلاش کاری، بهره‌برداری مستقل از روابط، ممنوع کردن بهره و سفته بازی، مخالفت با احتکار و انباشت ثروت و نظیر آن را با ابزارهای جدید ارتباطات که به طور انبوه در دسترس هستند برای ایجاد شکل صحیحی از محیط تبلیغ کنیم (عزتی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴۰). دولت باید یک محیط اخلاقی را حاکم بر اقتصاد کند که در آن محیط، ارزش‌های اسلامی را عملیاتی کند و نهادهای غیررسمی اسلامی را در این فضا تقویت کند. به طور مثال عملیاتی سازی این اصل اخلاقی که منفعت شخصی صرف و حرص به دنیا و منافع دنیوی زود گذر، تاثیر منفی به اقتصاد خواهد گذاشت. اسلام منفعت شخصی را برای یک دوره کوتاهمدت دنیوی به

رسمیت نمی‌شناسد و برای انسان زندگی ابدی متصور است که محدود به دنیای زود گذر و فانی نمی‌شود. جاری و ساری ساختن این اصل اخلاقی در جامعه توفیقات توسعه‌ای فراوانی خواهد داشت. گواه این حرف، جمله آلیک نوو^۱ است که می‌گوید: اجتماع‌هایی که به چیزی غیر از سود نمی‌اندیشند، به زودی پاشیده می‌شوند. هنگامی که جمع‌آوری مال یگانه هدف اساسی و یگانه معیار کامیابی به شمار رود، ممکن است فساد به معنای لفظی و مجازی رونق یابد، همچنین ژوزف شومپیتر^۲ نیز اشاره می‌کند: هر نظام اجتماعی که در آن، هر فرد فقط به سوی منفعت شخصی کوتاه‌مدتش تشویق شود، ممکن نیست موفق و پیروز شود. بنابراین "توازن" که در قرآن کریم با واژه "میزان" از آن یاد شده است (رحمن، ۵۵) برای تضمین رفاه اجتماعی و توسعه مستمر امکانات بشری ضرورت دارد. قطعاً برای توسعه یافتگی، کار و تلاش مفید بسیار ارزشمند و ضروری است اما فرد باید مصلحت شخصی را هنگام تعارض با مصلحت اجتماعی فدا کند. یک زمینه دیگر که دولت اسلامی با توجه به نهادهای غیررسمی اسلامی می‌تواند در فرایند توسعه موثر باشد، امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر از گزاره‌های اخلاقی دین اسلام است که در توسعه اقتصادی بسیار موثر است. موردی^۳ بین دو نوع امر به معروف و نهی از منکر تفاوت قائل می‌شود که بر اساس آن این امر و نهی به دو صورت انجام می‌شود: ۱. شخصی ۲. عمومی. امر به معروف و نهی از منکر به صورت عمومی با رویه و هنجارهایی که بر منافع عمومی جامعه تاثیر می‌گذارند مرتبط است. همچنین امر به معروف و نهی از منکر عمومی به سیاست‌گذاری، ایجاد رویه‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای شخصی نیاز دارد. ام السون^۴ به طور مشابه بین دو نوع سرمایه انسانی تفاوت قائل می‌شود: ۱. سرمایه انسانی شخصی ۲. سرمایه انسانی عمومی. و نقش آنها در توسعه اقتصادی را بسیار پررنگ می‌داند (عزتی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵-۱۷۶).

همانطور که بیان شد امر به معروف و نهی از منکر یک گزاره اخلاقی- اسلامی است که به عنوان یک سرمایه انسانی می‌توانند به فرایند توسعه کمک کنند. برخی اقدامات دیگر که دولت‌ها از طریق سازوکار نهادهای رسمی می‌توانند فرآیند توسعه را تسهیل کنند را در ادامه توضیح می‌دهیم و نقش اخلاق اسلامی را در آنها نیز بیان می‌کنیم.

۱. اصلاح منابع مالی عمومی: اسراف یکی از موارد غیر اخلاقی است که از نظر دین اسلام نکوهیده است. اسراف در مصرف کالاها، انفاق و اعمال دیگر مورد توجه دین بوده است. انجام زیاده از حد اعمال در شرع اسلام حرام شده است و به مسلمانان و مؤمنان توصیه شده است از

1. Alec Nove
2. Joseph schumpeter
3. Al mawardi
4. M. Olson.Jr.

آن اجتناب کنند (عزتی، ۱۳۸۷). دولت اسلامی باید از این رذیله اخلاقی در سطح کلان دوری کند. از جمله اقداماتی که می‌توانند انجام دهند: اولویت‌ها در مخارج، یکی از راه‌حل‌هایی است که دولت می‌تواند از اسراف منابع جلوگیری کند و به زیربناهای روستایی و خدمات کشاورزی که رفاه اکثریت جامعه به آن وابسته است، باید توجه شود. به پرورش اخلاقی توجه کافی شود و فرصت‌های تعلیم و آموزش حرفه‌ای یکسان تقسیم شود. نکته دیگر اینکه دولت اسلامی باید متوجه این موضوع باشد که منابع تحت تصرفشان، امانتی است از سوی خداوند برایشان، و آنها باید جامعه را مطابق با موازین اسلامی و اخلاقی اداره کنند. نخستین روش روشن برای تحقق صرفه‌جویی بسیار به حداقل رساندن فساد، ناکارآمدی و اتلاف است که توانایی حکومت‌ها را در به کارگیری کارآمد منابع کمیاب تضعیف می‌کند و این نیازمند یک قانون سالم و کارآمد و تقویت و ایجاد نهادهای لازم برای این کار است.

یک ارزش اخلاقی دیگر که دولت با تمسک به آن می‌تواند فرآیند توسعه را سرعت بخشد، عدالت است که نمود آن را در تصمیمات دولت‌ها در مالیات‌های عادلانه و کارا می‌بینیم. ساختار نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد دولت را به دستیابی به رشد مناسب و توسعه کمک می‌کند.

نکته اخلاقی دیگر کمک به هم‌نوع است. دولت‌ها باید خیرخواهان بخش خصوصی را برای ایجاد و اداره بیشترین تعداد ممکن از موسسات آموزشی، بیمارستان‌ها، پروژه‌های اسکان فقرا، خانه‌های ایتم و موسسات خدماتی اجتماعی دیگر ترغیب کنند و همچنین دولت می‌تواند نهادهایی مانند سازمان اوقاف را تاسیس و تقویت کند که همه این‌ها ریشه در یک ارزش اخلاقی به نام، کمک به هم‌نوع دارد. در انجام این کار بهره‌برداری کارا از موسسات آموزشی و رسانه‌های تبلیغاتی به دولت کمک می‌کند.

نهاد دیگری که در مسائل توسعه باید به آنها توجه شود و این نهاد مکلف است که اخلاق اسلامی را آموزش دهد، نهاد آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت است. نظام آموزش به دلیل اثرات عمیق و گسترده آن بر سایر نهادهای جامعه مهم‌ترین و حساس‌ترین جنبه توسعه محسوب می‌شود. زیرا این نهاد مستقیماً با تفکرات، استعدادها، ارزش‌ها و باورهای انسان‌ها سروکار دارد و تنها نهادی که مستقیماً با تعقل، تفکر و اندیشه انسان سروکار دارد، نهاد آموزش و پرورش است و می‌تواند به رشد فکری، فرهنگی و اخلاقی جامعه کمک کند. امروزه همه معترفند که تعلیم و تربیت، سهم بسزایی در بهبود زندگی انسان‌ها و افزایش عدالت اجتماعی - اقتصادی و تسریع رشد دارد. لازم است در درجه اول در تعلیم و تربیت، بر ساختن انسان پاک و مولد تأکید شود. باید به هر مسلمانی فضیلت‌های مسلمان حقیقی آموخته شود و در انگیزه‌های قوی برای به دست آوردن این فضایل پدید آید (چپرا، ۱۳۸۴، ص ۳۸۲-۳۸۳). با نهاد آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت می‌توان

سایر نهادها را تشویق، تقویت و یا اصلاح کرد زیرا آگاه نمودن مردم از احکام و قوانین اجتماعی، حقوقی و تشویق و ترغیب آن به پیروی از قوانین و مقررات و همکاری با سازمان و موسسات اجتماعی و دولتی به وسیله این نهاد انجام می‌گیرد.

۶- عملکرد برنامه پنجم توسعه

در این بخش، عملکرد برنامه پنجم توسعه کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و مشاهده می‌شود که دولت جمهوری اسلامی ایران در نگارش برنامه پنجم به چه اندازه به نقش اخلاق در توسعه توجه داشته و همچنین عملکرد برنامه در دو سال اول در این حوزه چگونه بوده است.

۶-۱- گزاره های اخلاقی توسعه ای در برنامه پنجم توسعه

در ابتدا باید اشاره کرد که برنامه پنجم توسعه از سال ۱۳۹۰ آغاز شده است و امسال آخرین سال برنامه می‌باشد. آمار و اطلاعات در تمامی سال‌ها موجود نمی‌باشد لذا عملکرد سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بیان شده است.

۶-۱-۱- فرهنگ اسلامی - ایرانی

فرهنگ، کلی‌ترین بینش و نگرشی است که انسان به جهان دارد. این نگرش و بینش همان معنایی است که جامعه برای هستی و انسان قائل بوده و جهان شمول است که همه‌ی ارزش‌ها و روش‌های فرد و اجتماع را در بر می‌گیرد و گاه حتی می‌توان آن را مترادف با جهان‌بینی به کار برد. فرهنگ ایرانی از کهن‌ترین و اصیل‌ترین فرهنگ‌های جهانی به شمار می‌رود که زیر لوای پرچم اسلام غنای بیشتری نیز یافته است.

برخی از آموزه‌های دینی در حوزه‌ی فرهنگ، به شرح زیر می‌باشد:

از آنجا که فرهنگ اسلام به مثابه‌ی جان و روح همه نهادها با تمام جنبه‌های زندگی ارتباط عمیق یافته است و در قالب قوانین و مقررات به ویژه در قانون اساسی جمهوری اسلامی و ساختار سیاسی و حکومتی کشور لحاظ گردیده، توجه به آن در یک برنامه توسعه همه‌جانبه برای کشور از حساسیت و اهمیت خاص و جایگاه منحصر به فردی برخوردار است (انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی، ۱۳۸۴). بنابراین پیشنهاد می‌شود که هرگونه تلاش برنامه ریزی شده در جهت تدوین برنامه‌های توسعه باید ناظر بر تحکیم و توسعه فرهنگ دینی باشد:

نگرش دینی نسبت به علم و اخلاق و هنر و ادبیات.

ایجاد باور و اعتقاد و التزام درونی نسبت به تحقق و رعایت مولفه‌های دینی.

عملکردن به آموزه ها و تعالیم و احکام دین.

با پیروزی انقلاب اسلامی، در پاسخ به نیازهای کشور، به تدریج نهادها و سازمان‌های دینی متعددی به منظور ترویج فرهنگ دینی و ایجاد تحولات فرهنگی با محوریت دین تشکیل شدند. فرهنگ دینی، اساس و بنیاد پیشرفت و تعالی انسان‌ها بوده و رشد اقتصادی و توسعه بدون آن محقق نخواهد شد. در ادامه به برخی از سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در امور فرهنگی اشاره می‌کنیم:

تقویت قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، درستکاری، پرهیز از اسراف و قناعت

دولت موظف است با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی- ایرانی» که مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

تعمیق ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی و تقویت هنرهای فرهنگی و اجتماعی و روحیه کار جمعی، ترویج فرهنگ مقاومت و ایثار و... .

توسعه و راه‌اندازی موسسات، هیات‌ها و تشکل‌های فرهنگی، هنری، رسانه‌ای، دینی و قرآنی ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد.

حمایت از تاسیس شهرک‌های سینمایی، تلوزیونی و رسانه‌ای و اداره آنها.

ارتقای آگاهی، دانش و مهارت همگانی، تقویت رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی همسو و مقابله با رسانه‌های معارض خارجی (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور، ۱۳۹۲، جلد دوم، ص ۵۹-۶۲).

جدول شماره (۱) عملکردهای متغیرها و شاخص‌های کلیدی دستگاه‌های اجرایی در حوزه فرهنگ را نشان می‌دهد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. عملکرد حوزه فرهنگ

ردیف	عنوان	واحد	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۹۱
۱	تعداد نفرات تحت آموزش عمومی قرآن کریم	هزار نفر	۴۷۰	۵۲۰
۲	حمایت از اتحادیه‌ها و مراکز قرآنی	مرکز	۲۱۷۰	۲۵۰۰
۳	تعداد اساتید و معلمین مورد حمایت سازمان تبلیغات اسلامی	نفر	۷۰۰۰	۹۵۰۰
۴	تعداد کانون‌های فرهنگی مورد حمایت	کانون	۱۰۳۹۴	۱۳۳۴۲
۵	تعداد فعالیت‌های فرهنگی مساجد	باب	۷۹۰۰	۹۰۰۰
۶	تعداد سالن‌های سینما	سالن	۳۳۰	۳۴۵
۷	تعداد فیلم‌های سینمایی تولید شده	عنوان	۸۶	۹۷
۸	تعداد نمایشگاه‌های کتاب برگزار شده	نمایشگاه	۹۳	۱۱
۹	تعداد عناوین کل کتاب‌های منتشر شده	عنوان	۶۴۶۰۶	۶۸۹۶۰
۱۰	تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی کشور	هزار نفر	۲۰۷۸	۲۵۷۱
۱۱	تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی کشور	هزار نسخه	۲۵۷۸۶	۲۹۷۰۳

ماخذ: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور، ۱۳۹۲

همانطور که مشاهده می‌شود دولت عملکرد خوبی در این زمینه داشته است و در تمامی موارد روند، افزایشی بوده است به جز، در قسمت تعداد نمایشگاه‌های کتاب برگزار شده که در این زمینه روند کاهشی داشته است.

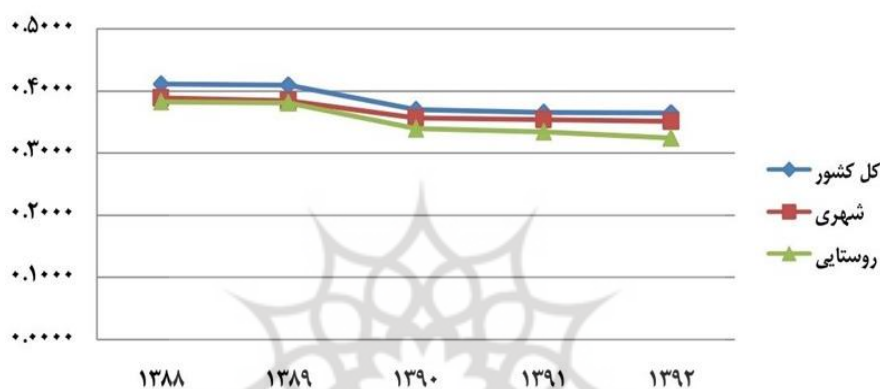
۲-۱-۶- توزیع درآمد

توجه به رفاه اقشار مختلف جامعه از طریق مطالعه توزیع درآمد، ثروت و ... از مباحث کانونی اقتصاد در دو قرن اخیر بوده است. چرا که، یکی از اهداف مهم هر نوع سیاست‌گذاری اقتصادی بهبود رفاه عمومی و مشخصاً افزایش رفاه اقشار کمتر بهره‌مند جوامع است. دولت‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای رساندن مردم به یک استاندارد از رفاه مورد قبول زندگی تلاش می‌کنند. در این راستا مفاهیمی مانند کرامت انسانی، سعادت بشر و ... می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های دولت در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر بگذارد (همان، ص ۲۳).

در نظام اقتصادی اسلام، جامعه و حکومت وظیفه دارند که اولاً: حداقل معاش و تامین نیازهای اساسی زندگی آحاد جامعه را فراهم نمایند، ثانیاً: بستر مناسب برای همه آحاد جامعه جهت رشد و پیشرفت و تلاش و کوشش را فراهم آورد تا افراد با کار و تلاش، کسب درآمد کرده و برای تامین معاش و افزایش رفاه مادی خود تلاش کنند. بنابراین طبق این اصل در جامعه اسلامی امکانات به طور عادلانه تقسیم می‌شود و از تداوم ثروت در دست عده‌ای معدود جلوگیری به عمل می‌آید (انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی، ۱۳۸۴). از جمله شاخص‌های مهم در جهت اندازه‌گیری،

نابرابری توزیع درآمد می‌توان به ضریب جینی اشاره کرد. این شاخص بین صفر و یک تغییر می‌کند و عدد صفر نشان‌دهنده‌ی جامعه‌ای با برابری کامل توزیع درآمدی است. از دیگر ابزارهای توزیع امکانات رفاهی بین اقشار مختلف جامعه، بررسی سهم این گروه‌ها از هزینه یا درآمد می‌باشد. برای به دست آوردن این شاخص، خانوارها برحسب میزان درآمد یا هزینه سالانه از کمترین سطح به بالاترین سطح مرتب می‌شوند (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۲، جلد اول، ص ۲۳۳). جدول (۳) نشان دهنده این شاخص می‌باشد.

نمودار ۱. ضریب جینی خانواده‌های شهری، روستایی و کل کشور

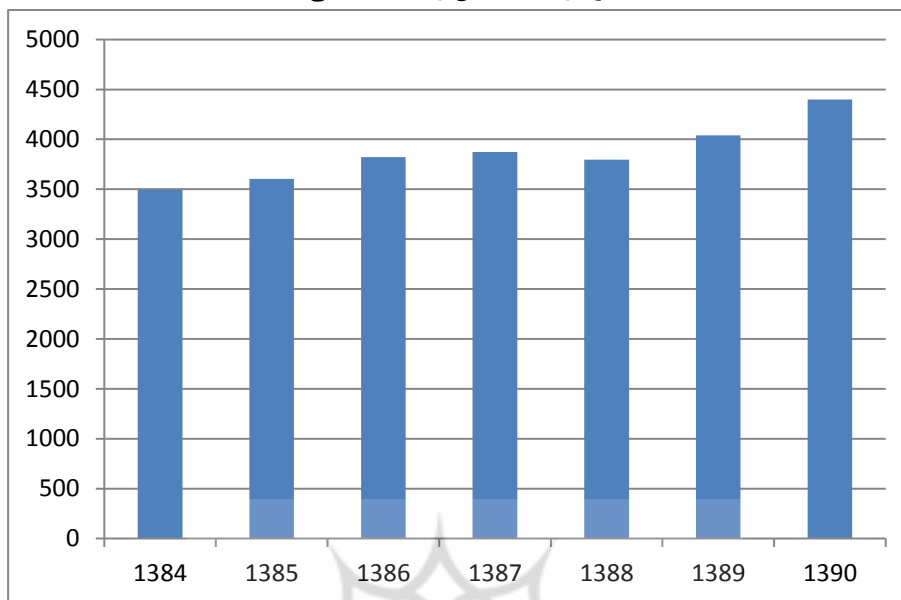


ماخذ: مرکز آمار ایران

طبق نمودار (۱)، روند کاهش ضریب جینی که تا سال ۹۱ وجود داشته در سال ۹۲ نیز ادامه یافته است. که این کاهش خود توضیحی برای کاهش نابرابری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۲. شاخص رفاه اجتماعی



ماخذ: مرکز آمار ایران

همانطور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود شاخص رفاه اجتماعی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ روند افزایشی داشته است اما در سال ۱۳۸۸ به دلیل کاهش درآمد ملی، شاخص رفاه کاهش یافته است و در ادامه به دلیل افزایش درآمد ملی و بهبود توزیع درآمد روند افزایشی به خود گرفته است. از مهم‌ترین گزاره‌های اخلاقی دین اسلام عدالت و عدالت خواهی است، که دولت اسلامی با توجه به این گزاره باید برنامه‌هایی توسعه‌ای خود را تدوین و اجرا کند. این گزاره اخلاقی در شاخص‌هایی مانند ضریب جینی و توزیع درآمد قابل بررسی است. که طبق آمارها شاهد بهبود نسبی در این زمینه هستیم ولی هنوز با آن استانداردهای که در دین اسلام مورد نظر است بسیار فاصله داریم.

از جمله اقداماتی که در زمینه تحقق عدالت اجتماعی و بهبود توزیع عادلانه درآمدها می‌توان اتخاذ نمود:

- کاهش سهم طبقات با درآمدهای بالا و افزایش سهم طبقات با درآمدهای پایین از یارانه‌های نقدی
- توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد.

- ایجاد نظام مالیاتی مناسب و کارا در جهت بهبود توزیع درآمد خانوارها.
- تامین حداقل معیشت گروه‌های کم درآمد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، در واقع بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی (همان، ص ۲۳۹).

۳-۱-۶- بازار کار

ارزش بودن کار و تلاش: باید اشاره کرد که در اسلام به اهمیت کار و تلاش بسیار تاکید شده است، در این رابطه آمده است که، هدف غایی از کار و تلاش، تعالی و کمال انسانی است. ضمن اینکه کار و تلاش نیز باید در راه مشروع و حلال صورت گیرد. در اسلام کار و تلاش ارزش محسوب می‌شود و تا آنجایی بر آنها تاکید شده که گفته است: اگر کسی در راه کسب روزی حلال کشته شود جز شهدا محسوب می‌شود (انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی، ۱۳۸۴). باتوجه به مطالب گفته شده بررسی می‌شود که دولت در برنامه پنجم توسعه به چه میزان در راستای این ارزش اخلاقی کوشیده است.

در ایران با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور، جوان بودن جمعیت و عدم تعادل‌های بازار کار از ابعاد مختلف، موضوع اشتغال و اشتغال‌زایی در اقتصاد از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و این موضوع در برنامه ریزی‌های کلان همواره مورد توجه و تاکید بوده است. در سیاست‌های کلی و قانون برنامه پنجم توسعه چند هدف شامل: ارتقای شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهایی با توسعه‌ی انسانی بالا و هماهنگی رشد شاخص‌های آموزش، بهداشت و اشتغال در کشور، ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نوظهور و سیاست‌ها و به تناسب آن اقداماتی در قالب احکام گنجانده شده است که اهم آنها تشویق توسعه شبکه‌ها، خوشه‌ها و زنجیره‌های تولیدی، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و کمک به بلوغ و تبدیل آنها به بنگاه‌های بزرگ و رقابت‌پذیر، حمایت مالی از بخش غیردولتی به منظور توسعه آموزش‌های کسب و کار، طرح اشتغال‌زایی بخش خصوصی و تعاونی به ویژه در مناطق با بیکاری بالاتر از متوسط نرخ بیکاری کشور و... می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۲، جلد اول، ص ۲۸).

در جدول (۲) عملکرد برخی از متغیرهای مرتبط با سیاست‌های اشتغال و بازار کار نشان داده شده است.

جدول ۲. عملکرد مربوط به اشتغال

ردیف	عنوان	واحد	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۹۱
۱	تعداد جمعیت فعال	هزار نفر	۲۳۸۷۵	۲۳۳۸۸
۲	تعداد جمعیت شاغل	هزار نفر	۲۰۶۵۷	۲۰۵۱۰
۳	تعداد جمعیت بیکار	هزار نفر	۳۲۱۸	۲۸۷۸
۴	نرخ بیکاری	درصد	۱۳,۵	۱۲,۳
۵	نرخ مشارکت نیروی کار	درصد	۳۸,۳	۳۶,۹

ماخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار ۱۳۹۱

بررسی و تحلیل شاخص‌های بازار کار نشان می‌دهد که در طی این دو سال، از یک‌سو نرخ بیکاری و تعداد جمعیت بیکار کاهش یافته‌است. اما از سوی دیگر هم، تعداد جمعیت فعال و تعداد شاغلان و نرخ مشارکت نیروی کار نیز کاهش یافته‌است. بر این اساس، شاهد هیچ روند بهبودی در این زمینه نمی‌باشیم. در حقیقت، اگر کاهش نرخ بیکاری با افزایش تعداد جمعیت فعال و افزایش نرخ مشارکت همراه باشد نشان‌دهنده‌ی وضعیت مناسب بازار است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۲، ص ۳۶). بر این اساس، استفاده از یک برنامه‌ی منظم و دقیق در جهت ایجاد اشتغال پایدار و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها می‌تواند مفید باشد.

بر اساس آمارها روند اشتغال کشور روند رو به بهبودی را نشان نمی‌دهد و حتی از تعداد شاغلان نیز کاسته شده‌است. به طور مشخص نرخ بیکاری جوانان، زنان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های برخی استان‌های کشور در سطح بالایی است. عدم رویکرد جامع در اتخاذ سیاست‌های اشتغال‌زایی، این عدم تعادل را شدت بخشیده‌است. عدم توجه به مسئله اشتغال که در دین اسلام نیز تاکید زیادی به آن شده‌است و در واقع یک گزاره اخلاقی در دین اسلام بشمار می‌آید، نه تنها از بعد روانی و اجتماعی مشکلاتی را برای کشور بوجود خواهد آورد بلکه باعث عدم استفاده بهینه از منابع و عوامل تولید در اقتصاد می‌شود که این یکی از موانع مهم در سر راه توسعه‌ است.

۴-۱-۶- آموزش و پرورش

همانطور که در قسمت‌های قبل اشاره شد، نهاد آموزش و پرورش در نهادینه کردن گزاره‌های اخلاقی اسلامی در جامعه به دولت کمک می‌کند. آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای اصلی در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، عهده دار انتقال مفاهیم دانش پایه، ارائه آموزش‌های اصلی و پیش نیاز سطوح آموزشی بالاتر می‌باشد. در راستای تحقق مفاد سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران (یعنی دستیابی به جامعه‌ای مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، برخوردار از دانش پیشرفته،

توانا در تولید علم و فناوری، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی و...، بند(۸) سیاست‌های برنامه پنجم بر «تحول در نظام آموزش و پرورش با هدف ارتقای کیفی آن بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور در سه حوزه‌ی دانش، مهارت و تربیت و نیز افزایش سلامت روحی و جسمی دانش‌آموزان» تاکید می‌نماید(همان، ص ۱۶۱).

در بند «۳» سیاست‌های کلی ذیل امور فرهنگی آمده است: تقویت قانون‌گرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه‌ی کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت در تولید. این سیاست هرچند که به عنوان یک راهبرد کلی و عمومی برای تمام احاد جامعه و تمامی دستگاه‌ها می‌تواند مطرح باشد اما مهمترین بستر آن آموزش و پرورش است. این نهاد دو وظیفه‌ی خطیر و در هم تنیده شده‌ی آموزش و پرورش فرزندان جامعه را برعهده دارد. بدین معنا که اجرای آموزش لاجرم با پرورش همراه است. معلمین، مسئولین مدارس و ... تنها مجری آموزش نیستند، بلکه با رفتار و منش خود، پیوسته نقش مثبت یا منفی را در ایجاد و تثبیت اخلاق فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند. بنابراین برای دستیابی به اهداف بند «۳» سیاست کلی توسعه لازم است معلمین، کتب درسی، مقررات مدرسه و نحوه‌ی اجرای آن، امور پرورشی و ... در یک عملکرد هماهنگ اقدام به ساختن، «انسان‌های مسئول، با تعهد، با اخلاق و معتاد به فکر کردن، سنجیدن و تحلیل کردن و متدین که می‌تواند آینده این کشور را آباد کند» نمایند (مطالعات اجتماعی گروه آموزش و پرورش، ۱۳۸۹).

برخی از مهم‌ترین راهبردهای مندرج در بسته‌های عملیاتی آموزش و پرورش عبارتند از: شناسایی برای جذب و نگهداشت همه کودکان لازم‌التعلیم، زمینه‌سازی برای تحقق عدالت آموزشی در ابعاد کمی و کیفی با رعایت تفاوت فرهنگی و منطقه‌ای، زمینه‌سازی برای تحقق کامل باسوادی در جمعیت کشور، توسعه و بهبود آموزشی در مدارس، تحول در برنامه آموزشی، پرورشی و درسی با رویکرد فرهنگی، تربیتی مبتنی بر برنامه درسی ملی، گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش و... (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۲، جلد دوم، ص ۱۶۱). جدول شماره ۳ برخی از آمارهای مربوط به آموزش را نشان می‌دهد.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳. آمارهای مربوط به آموزش

ردیف	عنوان	واحد	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۹۱
۱	استانداردسازی فضای آموزشی	کلاس	۱۱۴۱۸۹	۱۰۳۵۸
۲	نسبت دانش آموز به معلم ابتدایی	دان. به معلم	۲۲,۲	۲۲,۴
۳	نسبت دانش آموز به معلم راهنمایی	دان. به معلم	۱۸	۱۸
۴	نسبت دانش آموز به معلم دبیرستان	دان. به معلم	۱۷	۱۶,۳
۵	تملك داراییهای سرمایه ای	میلیارد تومان	۸۸۶	۱۵۴۲
۶	هزینه برنامه های سالیانه	میلیارد تومان	۱۱۱۵۲	۱۲۶۹۵
۷	جذب سواد آموزان	هزار نفر	۱۳۰۵	۵۵۷

ماخذ: گزارش وزارت آموزش و پرورش

در بخش آموزش پرورش دولت عملکرد به نسبت مناسبی داشته است و همچنین تمهیدات مناسبی را برای اجرایی شدن برنامه پنجم در نظر گرفته است. برخی از مهم ترین تمهیدات و اقدامات صورت گرفته برای اجرایی کردن مواد قانونی مرتبط با آموزش و پرورش عمومی در سال اول اجرای برنامه پنجم توسعه به شرح زیر است:

- تصویب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- اجرای طرح نظارت بر فعالیت های سنجش و اصلاح نظام ارزشیابی.
- اجرای طرح نیاز سنجی و امکان سنجی برای توسعه شاخه ها و رشته های تحصیلی.
- اجرای طرح جامع نظارت بر مدارس و مراکز غیردولتی.
- ایجاد و گسترش مدارس تخصصی ورزش در ۹ رشته ورزشی.
- تدوین نقشه خطرپذیری مدارس کشور.
- افزایش تعداد کلاس های هوشمند مجهز به حداقل امکانات رایانه ای.
- برنامه ریزی، شناسایی و جذب حدود ۲۲۱۰۰ نفر بازمانده از تحصیل و آموزش آنان (با اولویت مناطق محروم، روستایی و جذب دختران).
- تدوین سند انسداد مبادی بی سوادی در کشور (همان، ص ۱۶۲).

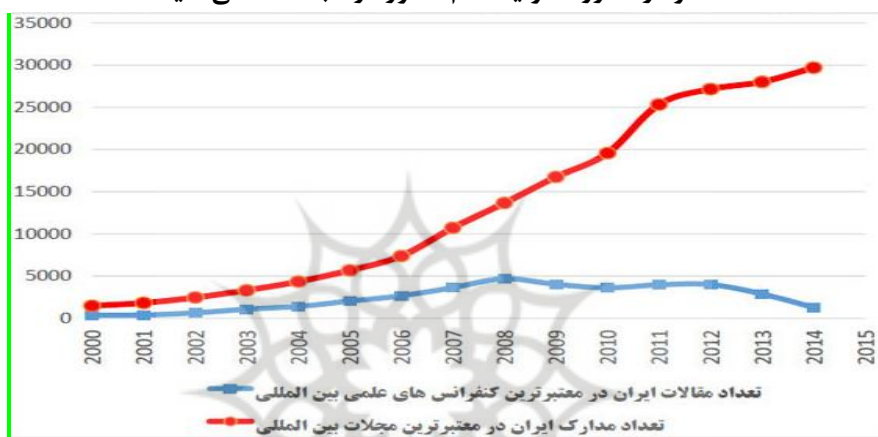
تولید علم

علاوه بر بخش آموزش و پرورش جا دارد که وضعیت تولید علم در کشور را نیز در این بخش بررسی کرد. قطعاً افزایش تولید علم در توسعه کشور سهم بسزایی دارد و همچنین دین اسلام تأکید زیادی بر علم آموزی و دست یابی به علم دارد که این موضوع در ابلاغات مقام معظم رهبری در تدوین برنامه های توسعه بسیار مورد توجه بوده است.

اطلاعات استخراج شده از پایگاه های استنادی اسکوپوس و ISI نشان می دهد که مشارکت

اعضای هیات علمی و پژوهشگران کشور در کنفرانس های بین المللی و در نتیجه مقالات ثبت شده در کنفرانس ها به شدت کاهش یافته ولی علیرغم این کاهش، تعداد مدارک ثبت شده جمهوری اسلامی ایران در مجلات علمی دنیا همچنان روند صعودی طی می کند. بر اساس اطلاعات مستخرج و نشان داده شده در نمودار (۳) و (۴)، وضعیت تولید علم کشور در بخش مجلات معتبر علمی بین المللی همچنان به صورت شتابان در حال افزایش است، اما در مقالات کنفرانس ها وضعیت از کاهش شدید تعداد مقالات چاپ شده در مجموعه کنفرانس های معتبر بین المللی حکایت دارد.

نمودار ۳. روند تولید علم کشور در مجلات علمی دنیا



ماخذ: سایت آی اس آی

نمودار ۴. روند تولید علم کشور در مجلات علمی دنیا



ماخذ: سایت اسکوپوس

بر اساس آمارهای رسمی میزان تولید علم کشور بر اساس تعداد مقالات پایگاه «ای‌اس‌اس»، «اسکوپوس» و «ای‌اس‌سی» که هر سه این پایگاه‌ها مورد تایید مراکز علمی کشور هستند نشان از تسریع روند تولید علم کشور در دارد؛ اما نکته حایز اهمیت بازهم کیفیت مقالات علمی است که هنوز کارنامه مجریان برنامه پنجم توسعه در این رابطه مشخص نیست و کشور کماکان در زمینه‌های کمی رو به پیشرفت است.

همچنین با وجه به آمار، شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی به شدت کاهش یافته است که این یک نکته منفی در تولید علم محسوب می‌شود. شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی نه تنها باعث افزایش آمار تولید علم کشور می‌گردد، بلکه اعضای هیات علمی را در انجام بهتر پژوهش به واسطه اطلاع از جدیدترین یافته‌های علمی و درک مسیرهای آینده علم یاری می‌کند. این مسئله در خصوص سفرهای مطالعاتی و علمی نیز صادق است. با توجه به کاهش نسبتاً زیاد تعداد مقالات ثبت شده در کنفرانس‌های بین‌المللی در چند سال اخیر، افزایش آن نیاز به برنامه ریزی دارد. هسته اصلی سند سیاست‌های کلان علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری، تبدیل علم به ثروت و قدرت ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی است. از همین رو، علاوه بر توجه به کمیت تولید علم، راهبرد مدیریت و هدایت این کمیت در جهت تبدیل به فناوری و نوآوری در جهت رفع نیازهای کشور با توجه به آمایش سرزمین و نوآوری باید محوریت یابد.

۵-۱-۶- حقوق شهروندی

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان‌ها در کل جامعه‌ی بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد و اعتقاد به کرامت و ارزش‌های والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (بند «۶» اصل دوم (۲) قانون اساسی) دارد، حکومت باید شرایطی را به وجود آورد تا در آن حقوق همه جانبه‌ی افراد تامین شود. برای اداره مطلوب کشور باید به اصولی مانند اجرای قانون، شفافیت، پاسخگویی در اداره امور عمومی، احترام به حقوق شهروندی، مشارکت دادن همه شهروندان در تصمیمات موثر در زندگی آنها و امثال اینها توجه ویژه‌ای صورت پذیرد، حقوق شهروندی از مقولات مهم حقوقی است که در قانون اساسی کشور ما نیز به این بحث مهم پرداخته شده است، از جمله مشکلات در زمینه‌ی اجرایی شدن حقوق شهروندی عبارتند از:

عدم نهادینه شدن حقوق شهروندی، غفلت از فرهنگ سازی و اطلاع‌رسانی کافی در جامعه و نبود نظارت مستمر، دقیق، فعال و پاسخگو. با گنجانیدن پیشنهادهای ذیل در برنامه ششم توسعه کشور شاهد ارتقاء بیش از پیش سطح حقوق شهروندی در جامعه خواهیم بود:

- ۱- ایجاد تشکیلات دفاع از حقوق شهروندی در قوه مجریه.
- ۲- ایجاد تشکیلات قضایی ویژه برای رسیدگی به این نوع جرائم و تخلفات.
- ۳- شفاف‌سازی قوانین مربوط به حقوق شهروندی.
- ۴- فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و آموزش حقوق شهروندی از طریق مراکز آموزشی و رسانه ملی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).

۶-۱-۶- محیط زیست

کره زمین میراث مشترکی است که در آن نه تنها انسان‌ها بلکه همه زیست‌مندان، حق حیات و بهره‌مندی از مواهب خدادادی را دارا هستند. همان‌طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد، این تکلیف را نیز دارد که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیستی سالم، محروم کند، خودداری نماید. استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و زیست محیطی و انتشار حجم عظیمی از انواع ضایعات و پسماندها مشکلات فراوانی را فراروی جامعه جهانی قرار داده که پیامدهای سوء آن تمام کشورهای جهان را تحت تاثیر قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در حال حاضر همانند بسیاری از کشورهای در حال گذار، با معضلات گوناگون در زمینه تخریب محیط زیست مواجه است (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۲، جلد اول، ص ۳۲۱). بنابراین، تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوب‌هایی است که باید آنها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده. عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می‌تواند رابطه‌ای مسالمت‌آمیز بین انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود. بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همان‌طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسئولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»، یعنی: خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما واگذاشت. از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است.

طبق اصل پنجاهم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. همچنین در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، اهمیت محیط زیست در قالب عبارت «بهره‌مندی از محیط زیست مطلوب»

برای جامعه ایرانی درج شده است. خوشبختانه موضوع محیط زیست در برنامه ی پنجم توسعه مورد توجه قرار گرفته و احکام مناسبی برای حفاظت از آن مطرح شده است. افزایش احکام مرتبط با حفاظت از محیط زیست و تسری آنها به بخش‌های مختلف در برنامه پنجم، بهبود برخی از شاخص‌های کلیدی محیط زیست به ویژه افزایش شمار ارزیابی زیست محیطی طرح‌ها و پروژه‌های اثرگذار بر محیط زیست، افزایش قابل توجه نقش و جایگاه تشکل‌های حامی محیط زیست برای حفاظت از محیط زیست، استفاده از ابزارهای اقتصادی و توجه به ارزش اقتصادی منابع طبیعی و زیست محیطی، افزایش حمایت از گونه‌های جانوری در معرض تهدید و خطر و ... از جمله دستاوردهای مثبت فعالیت‌های محیط زیست در سال ۱۳۹۰ بوده است (همان، ص ۳۴۳).

عملکرد متغیرها و شاخص‌های کلیدی در حوزه محیط زیست در جدول شماره (۴) بیان شده است:

جدول ۴. عملکرد محیط زیستی در برنامه پنجم

ردیف	عنوان متغیر/ شاخص	واحد	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۹۱
۱	مساحت مناطق تحت حفاظت به مساحت کل کشور	درصد	۱۰،۱	۱۰،۲
۲	سطح مناطق دارای طرح جامع مدیریت به کل مساحت مناطق تحت حفاظت	درصد	۳۶	۶۹
۳	تعداد گونه‌های جانوری حمایت شده	گونه	۵	۷
۴	تعداد زیست بوم‌های دارای طرح مدیریت زیست بومی	منطقه	۴۰	۶۰
۵	تعداد سازمان‌های غیردولتی حامی محیط زیست	تشکل	۴۲۲	۴۲۷
۶	تعداد رودخانه‌های دارای برنامه کاهش آلودگی در حال اجرا	رودخانه	۵	۷
۷	تعداد طرح‌های ارزیابی شده از نظر محیط زیست	مورد	۱۶۰	۱۸۵

ماخذ: مرکز نوسازی و تحول اداری سازمان حفاظت محیط زیست

۷-۱-۶- تأمین اجتماعی

امروزه ضرورت تأمین اجتماعی و رفاه عمومی، مسئله‌ای پذیرفته شده و انکارناپذیر است. اسلام، زمانی مسئله تأمین و بالاتر از آن توازن اجتماعی را مطرح کرد که گروه‌های آسیب‌پذیر به حال خود رها شده بودند و هیچ‌کس در برابر مشکلات اقتصادی و زندگی نکبت‌بار آنها احساس مسئولیت نمی‌کرد. اسلام، اصولی را در زمینه تأمین و رفاه اجتماعی ارائه کرده است که عمل به آن می‌تواند معضلات بشری را متناسب با زمان حل کند. قرآن کریم، انفاق را از شاخص‌های اصلی تقوا می‌شمارد و ثبات و امنیت عمومی را در گرو انفاق و احساس توانگران می‌داند: «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین، الذین ... مما رزقناهم ینفقون: این کتابی که در آن شک نیست، راهنمای پرهیزگاران است، آنان که از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند» (بقره، آیه ۲ و ۳). «وانفقوا فی سبیل الله و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکه و احسنوا ان الله یحب المحسنین: در راه خدا انفاق کنید و خویشتان را به دست خویش به هلاکت نیندازید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد».

همان طور که از آیات و روایات فوق استفاده می‌شود، تامین نیاز ضروری و اولیه محتاجان، وظیفه تکلیفی الهی است که همه ثروتمندان مسئولیت دارند آن را به انجام برسانند. در راستای تحقق عدالت اجتماعی، نظام رفاه و تامین اجتماعی به مجموعه‌ای از برنامه‌ها، کمک‌ها و خدماتی اطلاق می‌گردد که هدف آن حمایت از اقشار مختلف جامعه در برابر رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی و پیامدهای آن از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث، سوانح و ناتوانی‌های جسمی، ذهنی و روانی است (همان، ص ۲۹). جدول (۵) عملکرد متغیرها و شاخص‌های کلیدی تامین اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. عملکرد متغیرها و شاخص‌های کلیدی تامین اجتماعی

ردیف	عنوان/ متغیر شاخص	واحد	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۹۱
۱	درصد پوشش بیمه‌های اجتماعی	درصد	۵۹	۶۱
۲	درصد پوشش بیمه‌های اجتماعی - سازمان تامین اجتماعی	درصد	۵۱,۲	۵۶

ماخذ: وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی (سازمان تامین اجتماعی، سازمان بیمه سلامت)

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دولت اسلامی باید تمام تلاش‌های خود را انجام دهد که موازین اخلاقی و اسلامی را که نمونه‌هایی از آن را در بالا آوردیم در جامعه اجرا کند، حکومت‌ها برای این کار نیازمند مشارکت همه دانشمندان دینی و اساتید و مربیان اجتماعی در تمام عملیات تغییر اجتماعی‌اند. این مشارکت از طریق آموزش مناسب و آماده‌سازی ادبیات لازم انجام می‌شود. مسئولیت خطیر دولت این خواهد بود که این منابع غنی نظری را بوسیله نخبگان و از طریق برنامه‌های مناسب توسعه‌ای در جهت توسعه همه جانبه جامعه به کار ببرد در این میان نهادهای مذهبی که نتایج اخلاقی موثری در فرایند توسعه دارند می‌توانند به دولت کمک کنند. دولت باید این نهادهای اخلاقی - مذهبی را تقویت، اصلاح و در مواردی باز تولید کند. به طور مثال تقویت نهاد امر به معروف و نهی از منکر و یا تقویت سازمان‌های مردم نهاد مانند مسجد.

برای اجرای این مهم دولت می‌تواند از موسسات آموزشی، شبکه‌ها و رسانه‌های تبلیغاتی استفاده کند، که این ابزار همچنین می‌تواند به دولت در رفع و کاهش زیان‌های غیراخلاقی و ضد توسعه‌ای که در جامعه وجود دارد کمک کند به طور مثال: در مبارزه با فساد، ربا خواری، مصرف‌گرایی و یا فرار مالیاتی می‌توان به خوبی از این ابزار استفاده کرد. قطعاً این ارزش‌ها غیراخلاقی و غیراسلامی هستند و وجود آنها در جامعه باعث آسیب زدن به فرایند توسعه خواهد شد.

هدف نهایی تمام نظام‌های اسلام اعم از نظام اقتصادی، نظام سیاسی و نظام حقوقی و ... رساندن انسان‌ها به کمال لایق آنها و اعتلای مکارم اخلاقی است و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و

معنوی اثر به سزایی در تحقق دیگر هدف‌ها دارد، از جمله: رشد و توسعه اقتصادی، که ما در این مقاله چند آموزه اخلاقی اسلامی را برشماردیم که در فرایند توسعه اثر بخش هستند و جاری و ساری ساختن آنها بوسیله دولت در جامعه اثرات توسعه‌ای فراوانی دارد. تحقق این مهم نیازمند مشارکت همه جانبه نخبگان جامعه در بوجود آوردن یک ادبیات قوی توسعه‌ای با توجه به منابع نظری غنی اسلامی و گنجاندن آن در برنامه‌های توسعه و عملی و پیاده کردن آن در جامعه بوسیله دولت است تمام موارد اخلاقی ذکر شده در این مقاله در متون اسلامی مورد توجه بوده‌اند و به آنها اشاره شده است. بنابراین اقشار مختلف جامعه اعم از دولت، مردم، دانشگاهیان و روحانیون بایستی در تبیین و اجرای سیاست‌های توسعه با استفاده از الگوی ایرانی اسلامی کشور کوشا باشند. در این مقاله به طور خاص بررسی شد که دولت جمهوری اسلامی در برنامه پنجم توسعه به چه میزان به نقش اخلاق در توسعه عنایت داشته است و چه مقدار توفیق داشته است که این اهداف را در جامعه پیاده سازد.



منابع و مآخذ

- آفانظری، حسن (۱۳۹۳)، چپستی نهاد با رویکرد به آموزه اخلاقی التزام به تعهدات، مجموعه مقالات هشتمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۲۰ ج، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ارسطو (۱۳۵۸)، سیاست، مترجم حمید عنایت، کتاب های جیبی.
- اکبری، نعمت اله (۱۳۷۸)، مباحثی از توسعه در ایران، اصفهان: نشر هشت بهشت.
- انجمن علمی اسلام و توسعه اقتصادی (۱۳۸۴)، جایگاه مبانی و ارزش های دینی در برنامه های توسعه، راهبرد توسعه، تابستان ۱۳۸۴، شماره ۲.
- بافنده ایمان دوست، صادق، نقش آموزه های اخلاقی مورد حمایت اسلام در فرآیند توسعه اقتصادی. خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۱)، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (سازگاری یا ناسازگاری)، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (س).
- خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۴)، شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (س).
- چپرا، محمد عمر، اسلام و چالش های اقتصادی، ترجمه سید حسین میر معزی، علی اصغر هادوی نیا، احمد علی یوسفی و ناصر جهانیان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
- دادگر، یدالله، اخلاق بازرگانی و کسب و کار از منظر اقتصاد و اقتصاد اسلامی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۸.
- ستاری فر، محمد (۱۳۷۴)، درآمدی بر سرمایه و توسعه، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- قحف، منذر، نقش دولت در توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلامی، مرتضی عزتی و همکاران، تهران، انتشارات نور علم و پژوهش های ما، ۱۳۸۸ ش.
- قرآن کریم.
- عربی، سید هادی، و علی رضا لشکری (۱۳۸۴)، توسعه در آیین تحول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۷)، اثر آموزه های اخلاق اسلامی بر توسعه اقتصادی، آرایه شده در همایش اخلاق در اقتصاد، مرکز تحقیقات استراتژیک مصلحت نظام.
- عزتی، مرتضی و همکاران (۱۳۸۸)، نقش دولت در توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلامی، تهران، انتشارات نور علم و پژوهش های ما.

- متوسلی، محمود، خصوصی‌سازی با ترکیب مطلوب دولت و بازار، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳ ش.
- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار (۱۳۹۰).
- مرکز نوسازی و تحول اداری سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۹۲)، گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۹۰.
- مطالعات اجتماعی (گروه آموزش و پرورش) (۱۳۸۹)، «بررسی سیاست‌های کلی برنامه پنجم در حوزه آموزش و پرورش».
- موسایی، میثم (۱۳۸۷)، پیش‌نیازهای فرهنگی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، فصلنامه راهبردی یاس، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
- مهرورزیان، طاهره، و محمدرضا شمس (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی و ارتقای آن در برنامه‌ی پنجم توسعه کشور، مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی).
- میسرا، پراساد (۱۳۶۴)، برداشتی نو از مسائل توسعه، ترجمه حمید فراهانی راد، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- نظرپور، محمدنقی (۱۳۸۹)، گستره اثرگذاری فرهنگ اسلامی بر توسعه اقتصادی.
- نورث داگلاس سی (۱۳۷۷)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، سازمان برنامه و بودجه.
- وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی (سازمان تامین اجتماعی، سازمان بیمه سلامت).
- MahbubulHaq (1995). Reflections on Human Development. Oxford University Press.
- Meier, Gerald, M. (2001). The Old Generation of Development Economists and the New in Gerald M. Meier & Joseph E. Stiglitz, Frontiers of development economics; The Future in Perspective. Oxford University Press.
- Olson, M. (2000), Economics in Government: Variations in Performance Across Countries, JEP, V. 10, NO.2, PP.3-24.
- Stiglitz, J.E, (1998): "More Instrument and Broader Goals: Moving toward the Post - Washington Consensus", Available online in: www.rep.org.br/pdf/73-5.pdf
- Streeten, Paul (1995). Foreword, in MahbubulHaq. Reflections on Human Development. Oxford University Press.